

ساختار جملات شرطی در زبان فارسی

آزاده میرزائی*

چکیده

جمله شرطی به لحاظ ساختاری از یک بند پایه و یک بند وابسته تشکیل شده است. بند وابسته معمولاً با پیوندواژه شرط همراه می‌شود و به لحاظ معنایی وقوع گزاره در بند پایه را محدود به شرایطی می‌کند. پژوهش حاضر با اتکا به رویکردی رده‌شناختی به بررسی ویژگی‌های ساختاری «بند شرط» و «پیوندواژه شرط» در زبان فارسی پرداخته و با نگاهی توصیفی و بر مبنای مطالعه‌ای داده‌بنیاد این ساختارها را بررسی کرده است. در ارتباط با نقش نحوی بند شرط، بررسی داده‌ها نشان داد اگرچه بند شرط عمدتاً نسبت به بند پایه در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد و در نتیجه سازه اختیاری جمله و قابل حذف است، اما گاه مواردی دیده می‌شود که در آنها حذف بند شرط، جمله را نادرستی می‌کند. امکان بازنمایی مفهوم شرط در قالب بند قید زمان و موصولی در کنار بندهای شرطی، معرفی انواع پیوندواژه‌های شرطی زبان فارسی مانند «چنانچه»، «چون» و «که»، همچنین پیوندواژه‌های بند پایه شامل پیوندواژه‌های نتیجه‌ای، علی و مقایسه‌ای که سه ساخت شرطی را از هم متمایز می‌کنند از موضوعات دیگری است که مورد توجه بوده است. معرفی «شرط انتظاری» در بحث محدودکننده‌های بند شرط و شیوه بازنمایی «شرط منفی» و پیوندواژه‌های مربوطه مانند «مگر»، «وگرنه» و غیره، همچنین امکان مشروط کردن بخشی از بند پایه، موضوع‌های دیگر مورد بررسی بودند.

کلیدواژه‌ها: جمله شرطی، شرط انتظاری، شرط منفی، بند موصولی، بند پایه، زبان فارسی

* استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، azadeh.mirzaei@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

۱. مقدمه

یکی از روابط بینابندی در درون متن رابطه علی-معلولی است که می‌تواند به شکل ساخت شرطی conditional construction بازنمایی شود. در ساخت شرطی یکی از بندها که معمولاً در زبان فارسی با پیوندواژه connector «اگر» علامت‌گذاری می‌شود به عنوان علت یا زمینه رویدادی که در بند دوم آمده، مطرح می‌شود. بر همین اساس به بند اول مقدم و به بند دوم تالی می‌گویند. مجموعه مقدم و تالی با هم ساخت شرطی را رقم می‌زنند. به این نوع از جملات شرطی که میان بندهای مقدم و تالی‌شان رابطه علی وجود دارد، شرط بنیادی گفته می‌شود. برای مثال در جمله زیر چنانچه بند مقدم (بند اگر) صادق باشد، نتیجه آن بند دوم خواهد بود. به بیان دیگر علت وقوع گزاره مطرح در بند دوم، بند اول است.

(۱) اگر زمین به دور خورشید بچرخد، در طی ۶۵ روز جذب خورشید خواهد شد.

در بررسی رده‌شناختی مفهوم شرط، ساخت‌های شرطی دیگری دیده می‌شوند که در آنها میان بند مقدم و تالی رابطه علی مستقیمی وجود ندارد. در پیشینه مطالعات بندهای شرطی، گروه دوم با اسامی متفاوتی چون شرطی کارگفتی speech act conditional، شرطی مرتبط relevance conditional و شرطی بیسکوئیت biscuit conditional معرفی شده‌اند.

(۲) اگر گرسنه هستی غذا داخل یخچال است.

در جمله ۲ فارغ از آنکه مخاطب گرسنه باشد یا نه، گزاره مطرح در بند دوم صادق است و دلیل این که «غذا داخل یخچال است» این نیست که مخاطب احساس گرسنگی دارد.

پرواضح است که ساخت‌های شرطی را می‌توان از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت مورد بررسی و توجه قرار داد. ویژگی‌های معنایی، نحوی، کاربردشناختی و تحلیل گفتمانی مفهوم شرط هرکدام می‌تواند موضوع پژوهش‌های مختلفی باشد. بر همین اساس دسته‌بندی‌های مختلفی از جملات شرطی مطرح می‌شود که گاه با هم همپوشانی دارند و گاهی کاملاً از هم متفاوت می‌شوند. در پیشینه مطالعات مفهوم شرط می‌توان به کرک و همکاران (۱۹۸۵)، هگمن (۲۰۰۳)، بت و پانچوا (۲۰۰۵)، تامپسون و همکاران (۲۰۰۷)، ایبرت و همکاران (۲۰۰۸)، فون فینتل Von Fintle (۲۰۱۱) اشاره کرد. از پژوهش‌هایی که در زبان فارسی به مفهوم شرط پرداخته‌اند می‌توان به رستمی (۱۳۸۹)، کبیری و درزی (۱۳۹۴)، ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵)، بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۸) و میرزائی (۱۳۹۹) اشاره نمود.

کبیری و درزی (۱۳۹۴) در بررسی جملات شرطی رویدادی، بر مبنای رویکرد کمینه‌گرا بیان می‌دارند که در بندهای شرطی، جمله‌آغازین به عنوان افزوده به گروه زمان و در برخی موارد به فرافکن‌های بالاتری مانند گروه کانون و بند شرطی جمله‌پایانی به گروه فعلی کوچک متصل می‌شود. بند شرطی جمله‌میانمی هم حاصل مبتداسازی عناصری است که به پیش از بند شرطی جابجا شده‌اند. ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی جملات شرطی بیان می‌دارند که رابطه تلازمی، اساس ارتباط معنایی دو بند پایه و پیرو هستند و این رابطه معنوی، خود به دو گونه تلازمی سببی و تلازمی غیرسببی تقسیم می‌شود. بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) بر اساس رویکرد رده‌شناختی دکلرک و رید (۲۰۰۱) به بررسی انواع ساخت شرطی در فارسی نو می‌پردازند و بیان می‌دارند که بر اساس این رویکرد جهان ممکن بند شرط به دو دسته حقیقی و نظری تقسیم می‌شود، جهان ممکن نظری می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد و غیرخنثی، به چهار نوع بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی تقسیم می‌شود. آنها در بررسی خود به این نتیجه می‌رسند که کاربرد ساخت شرطی در قرون متقدم نسبت به قرون متأخر بسیار بیشتر بودند و از نظر نوعی، مشتمل بر انواع حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی هستند و جملات شرطی از نوع باز، بالاترین بسامد وقوع را دارند. بقایی و نغزگوی (۱۳۹۸) در بررسی انواع کلمات ربط نشانگر مفهوم شرط در فارسی نو به «اگر، آگه و به شرطی‌که» به عنوان حروف ربط رایج شرط و حروف دیگری چون «تا، که، چون، هرگاه، ولو، فرضاً، همینکه، آنگاه که، هروقت، مشروط بر آنکه، حتی اگر، کاشکی، در صورتی که و ...» اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند که بین انواع حروف ربط شرط و جهان‌های ممکن شرط مشتمل بر حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی ارتباط وجود دارد و به احتمال زیاد از نوع حرف ربط شرط می‌توان به نوع ساخت شرطی پی برد. میرزائی (۱۳۹۹) در بررسی معنایی ساخت‌های شرطی در زبان فارسی با توجه به وجود یا عدم وجود رابطه علی / نتیجه‌ای میان بندهای در رابطه، ساخت‌های شرطی را در دو گروه کلی شرطی نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای تقسیم‌بندی می‌کند و سپس علاوه بر جملات شرطی باز، فرضی، مفروض، لفظی، کارگفتی و تضمینی که در سابقه پژوهش مفهوم شرط موجود است، ساخت‌های شرطی تقابلی، شرطی تقابلی ضمنی، شرطی معکوس و شرطی دوسویه را در زبان فارسی بر اساس پژوهشی داده‌بنیاد معرفی می‌کند.

در این نوشتار برخی ویژگی‌های ساختاری ساخت‌های شرطی با اتکا به مطالعه رده‌شناختی تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۵-۲۶۱) و با رویکردی توصیفی و بر اساس پژوهشی داده‌بنیاد معرفی می‌شود. برای این منظور از پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی (میرزائی و مولودی، ۲۰۱۶) و در ارائه برخی مثال‌ها از داده‌های موجود در صفحات وب استفاده شده است. پیکره مورد اشاره، حجمی حدود نیم میلیون کلمه و سی هزار جمله دارد که از این میان، تعداد ۱۹۸۲ جمله، حاوی مفهوم شرط هستند. جملات این پیکره از متون فارسی معاصر گردآوری شده‌اند. بر این اساس برای بررسی ویژگی‌های نحوی و ساختاری جملات شرطی ابتدا با توجه به پژوهش رده‌شناختی تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۵-۲۶۱) موضوعات مورد بررسی انتخاب می‌شوند و سپس بر اساس جملات و ساخت‌های شرطی موجود در پیکره مورد اشاره، وضعیت جملات شرطی در زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

عناوین مورد بررسی در این پژوهش شامل این موارد است: الف- رابطه نحوی میان بندهای مقدم و تالی در ساخت شرطی، ب- پیوندواژه‌های ساخت شرطی، پ- شرط منفی، ت- انواع توصیفگرهای پیوندواژه، ث- صورت‌های نامتعارف مفهوم شرط، ج- سیطره مفهوم شرط، چ- توالی بند پایه و پیرو در ساخت شرطی. بدیهی است که دسترسی به ویژگی‌های ساختی جملات شرطی بر اساس بررسی‌های داده‌بنیاد می‌تواند در آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی و همچنین در مسائل مربوط به یادگیری ماشینی مفید باشد.

۲. چارچوب نظری

تامپسون و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «بندهای قیدی»، در بخش نخست بررسی خود به توصیف ویژگی‌های رده‌شناختی انواع بندهای قیدی از جمله بندهای شرطی (همان: ۲۵۵-۲۶۱) می‌پردازند و بخش دوم مقاله را به موضوع کارکرد بندهای قیدی در ورای یک جمله اختصاص می‌دهند. آنها در بررسی رده‌شناختی ساخت‌های شرطی، رفتار معنایی، رفتار نحوی و ساختار جملات شرطی و همچنین ساخت‌های شرطی منفی و شرطی انتظاری concessive conditionals را مورد توجه قرار می‌دهند.

تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۵-۲۵۶) در بررسی معنایی ساخت‌های شرطی، جملات شرطی را بر اساس امکان وقوع آن، به دو گروه کلی شرط واقعی reality conditional و

غیرواقعی unreality conditionals تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی شرط واقعی به سه گروه شرط واقعی حال، معمول habitual و گذشته تقسیم می‌شود و شرطی‌های غیرواقعی در دو گروه تخیلی imaginative و پیش‌بین predictive دسته‌بندی می‌شوند. منظور از شرطی‌های تخیلی رخدادهایی هستند که در زمان حاضر، به هیچ عنوان امکان وقوع ندارد و خود به دو گروه ممکن (فرضی hypothetical) و ناممکن (خلاف واقع counterfactual) تقسیم می‌شوند. شرط پیش‌بین موقعیتی فرضی را به تصویر می‌کشد که در آن وضعیت اگر شرایط مطرح در بند شرط رخ دهد، نتیجه معرفی شده در بند تالی می‌تواند محقق شود.

در بررسی رفتار نحوی جملات شرطی، تامپسون و همکاران از یک سو توالی بند مقدم و تالی و حضور پیوندواژه شرط در زبان‌های مختلف را مورد توجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر امکان بازنمایی مفهوم شرط در عبارات اسمی و در قالب بندهای زمان را بررسی می‌کنند.

در موضوع شرط منفی، تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۶۰-۲۶۱)، به رفتار متفاوت زبان‌ها اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند که برخی زبان‌ها، مانند زبان انگلیسی که از واژه unless استفاده می‌کند، تکواژ مستقل و مشخصی برای بیان این مفهوم در امکانات زبانی خود دارند. بررسی رفتار معنایی و نحوی بندهای مقدم و تالی در این گونه جملات از موضوعات مطرح در این بررسی است.

شرط انتظاری موضوع دیگری است که تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۶۱-۲۶۲) به آن می‌پردازند. منظور از شرط انتظاری در این بررسی صورت‌های زبانی هستند که در برخی ویژگی‌ها همانند بندهای شرطی و در برخی ویژگی‌های دیگر مانند بندهای انتظاری concessive clause عمل می‌کنند. نگاه علوم انسانی و مطالعات فارسی

در این نوشتار رفتار معنایی بندهای شرطی، از آنجاکه پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد، مورد توجه قرار نگرفته است، اما برای بررسی موضوعات دیگر مورد اشاره تامپسون و همکاران (۲۰۰۷)، جملات شرطی پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی استخراج شده و بر اساس ملاحظات نظری این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. این پیکره حاوی ۱۹۸۲ ساخت با مفهوم شرط است. برخی از این ساخت‌ها از الگوی رایج و آشنای ساخت‌های شرطی استفاده کرده‌اند و برخی دیگر قالب جملات «اگر مقدم، آنگاه تالی» را ندارند اما در مفهوم شرط ظاهر شده‌اند. بر این اساس در ادامه نتیجه مشاهدات داده‌بنیاد این

پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در هر موردی که تامپسون و همکاران (۲۰۰۷) در آن موضوع اظهار نظری دارند، رویکرد و بیان آنها معرفی و ارائه می‌شود.

۳. رابطه نحوی بندها در ساخت شرطی

بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که بند شرطی اگرچه عمدتاً نقش قیدی دارد، اما می‌تواند در هر دو جایگاه افزوده و موضوع ظاهر شود.

۱.۳ بند اگر در جایگاه افزوده

در جملات شرطی، بند «نتیجه» بند پایه است و بند شرط به عنوان بند افزوده به آن اضافه می‌شود. بند شرط با توجه به ماهیت افزوده‌ها، بدون آنکه به دستوری بودن جمله خللی وارد کند می‌تواند از جمله حذف شود. برای مثال جمله ۳-ب، پس از حذف بند شرط همچنان دستوری مانده است.

(۳) الف- اگر بلیط‌ها دیر به دستمان برسد، بچه‌ها قطار را از دست می‌دهند.

ب- بچه‌ها قطار را از دست می‌دهند.

لازم به ذکر است که گاهی فاعل دو بند شرط و بند پایه یکسان است و به همین دلیل تنها یک‌بار در جمله ظاهر می‌شود و آن یک‌بار هم در درون بند شرط قرار می‌گیرد. در این شرایط با حذف بند شرط، بخشی از پیام موجود در بند پایه نیز حذف می‌شود که البته چون ضمیراندازی از ویژگی‌های زبان فارسی است، حذف آن به دستوری بودن جمله خللی وارد نمی‌کند. این وضعیت در جمله ۴ قابل مشاهده است. در این جمله «ستاره» برای هر دو بند پایه و قیدی، در جایگاه فاعل قرار دارد. در بخش ب این مثال، بند قید شرط به اعتبار افزوده بودنش از جمله حذف شده و به تبع آن «فاعل» بند پایه به عنوان مرجع شناسه فعلی از دست رفته است. بنابراین مشخص است فاعل مشترک را می‌توان در جمله ب بازیابی کرد.

(۴) الف- اگر ستاره به اندازه کافی جرم داشته باشد به سرعت به سیاه‌چاله تبدیل

می‌شود.

ب- [ستاره] به سرعت به سیاه‌چاله تبدیل می‌شود.

۲.۳ بند اگر در جایگاه موضوع

با آنکه حذف بند «اگر» از ساخت شرطی (به دلیل ماهیت قیدی آن) مجاز است، اما در بررسی داده‌بنیاد مفهوم شرط در مواردی خلاف آن مشاهده می‌شود. برای مثال حذف بند شرط از جمله ۵ مجاز نیست و آنچنان که در جمله ۵-ب دیده می‌شود، حذف بند «اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به سخن آورند»، سبب نادرستی شدن جمله شده است.

(۵) الف- اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به سخن آورند بهتر از آن است که سخن بگویی و دیگران تو را خاموش کنند.

ب- * بهتر از آن است که سخن بگویی و دیگران تو را خاموش کنند.

جمله ۵ را می‌توان به صورت جمله ۶ بازنویسی کرد،

(۶) اینکه خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به سخن آورند بهتر از آن است که سخن

...

بخش اول جمله ۶ (یعنی اینکه خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به سخن آورند) معادل بخش اول جمله ۵ (یعنی اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به سخن آورند) است. این دو بخش در جملات ۵ و ۶ در جایگاه موضوع قرار دارند و حذف آنها سبب نادرستی شدن جمله می‌گردد. نمونه دیگری از این کارکرد در نمونه ۷ قابل مشاهده است:

(۷)

و گر بینم که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینم گناه است

در مثال بالا بند شرط اول یعنی «وگر بینم که نابینا و چاه است»، برای مصرع دوم یعنی «اگر خاموش بنشینم گناه است» افزوده است و به همین دلیل می‌توان آنرا از جمله حذف کرد و آنچه باقی می‌ماند یعنی «اگر خاموش بنشینم گناه است» همچنان دستوری است. اما چنانچه بند شرط دوم از جمله حذف شود، جمله حاصل «گناه است» خواهد بود که ناقص و نادرستی است. شاید گفته شود که در اینجا یک فاعل تهی (این) داریم که البته فرض چنین مسأله‌ای هم تغییری در تحلیل پیش نمی‌آورد. در واقع در جمله «این گناه است» «این» معادل «اگر خاموش بنشینم» است و به طور کلی «اگر خاموش بنشینم» سازه متمم خواهد بود.

لازم به توضیح است که با آنکه حضور بند شرط «اگر» در دو مثال ۵ و ۷ اجباری است اما همچنان رابطه علی-نتیجه‌ای هم میان آنها برقرار است؛ در مثال ۷ اینگونه مطرح می‌شود که «اگر سکوت کنم»، «آنگاه گناه مرتکب شده‌ام».

۴. پیوندواژه در ساخت شرطی

در ساخت شرطی، هم می‌توان برای بند اول یعنی بند شرط و هم برای بند دوم از پیوندواژه مناسب آن استفاده کرد. بر همین اساس انواع پیوندواژه‌های مربوط به ساخت شرط در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۴ پیوندواژه بند شرط

در زبان فارسی ممکن است در ابتدا یا میان بندهای مطرح در ساخت شرطی، هیچ پیوندواژه‌ای ظاهر نشود و مفهوم شرط تنها از معنای جمله به دست بیاید. در چنین شرایطی می‌توان به آسانی پیوندواژه «اگر» را در سر بند شرط ظاهر کرد مانند مثال ۸. (۸) الف- به آن نیرو وارد نکنند صندوق از حرکت بازمی‌ایستد. ب- اگر به آن نیرو وارد نکنند صندوق از حرکت بازمی‌ایستد.

با آنکه ساخت جمله شرطی می‌تواند بدون حضور پیوندواژه صورت بگیرد اما معمولاً در ساخت‌های شرطی، بند شرط با یک پیوندواژه علامت‌گذاری می‌شود. در این میان ناهمپایه‌ساز «اگر»، شناخته‌ترین و پرکاربردترین پیوندواژه‌ای است که در ساخت شرطی وارد می‌شود. پیوندواژه‌های دیگری که در داده‌های طبیعی زبان فارسی و جملات مستخرج از پیکره این پژوهش مشاهده شدند شامل مواردی است که در زیر فهرست شده‌اند:

۱. چنانچه ۶. چون

۲. در صورتیکه، در صورت ۷. که

۳. به شرطی که، به شرط اینکه، به شرط آنکه ۸. وقتی، زمانی که، هر وقت، هرگاه

۴. به فرض که، به فرض آنکه، به فرض اینکه ۹. هر چند

۵. مگر، در غیر اینصورت، وگرنه، جز این که، الا اینکه

در ادامه برای هر یک از پیوندواژه‌های مطرح شده در بالا، مثالی ذکر شده است. از آنجاکه ناهمپایه‌سازهای «وقتی»، «مگر» و «هرچند» همگی در بخش‌های بعدی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، از تکرار مثالهای مربوط به آنها در این بخش خودداری می‌شود.

(۹) چنانچه برگ‌ها خیس شوند امکان پوسیدگی گیاه و تشکیل قارچ افزایش پیدا می‌کند.

(۱۰) در صورتی که رطوبت زیاد باشد کف‌ها را نیز عایق‌کاری می‌کنند.

(۱۱) دست و دلبازی شما قابل تحسین است، به شرط آن که اندوخته‌ای برای روز مبادا کنار گذاشته باشید.

(۱۲) به فرض این که الکتریسیته مصرفی خودروهای هیبریدی و برقی از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی تامین شود، نیروگاه‌های نسل جدید، این تبدیل انرژی را با بازدهی بیشتری انجام می‌دهند.

(۱۳) چون با ما مخالفت نمایند به هر راهی باشد با تو دشمنی و عداوت خواهیم ورزید.

(۱۴) دو سه جلسه که مرتب بیایکاملاً حرفه‌ای می‌شوی.

۲.۴ پیوندواژه بند پایه در ساخت شرطی

پیوندواژه‌هایی که در ساخت شرطی، بر سر بند پایه می‌آیند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف- پیوندواژه‌های مربوط به شرط بنیادی،

ب- پیوندواژه‌های مربوط به معکوس شرط بنیادی،

ج- پیوندواژه‌های مربوط به شرط کارگفتی.

همانطور که گفته شد در ساخت شرط بنیادی، بند پایه به لحاظ منطقی نتیجه بند شرط است. این ارتباط گاهی با علامتی که در ابتدای بند پایه قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود. «پس»، «آنگاه»، «در اینصورت»، «در آنصورت»، «آنوقت»، «آن موقع» و «در نتیجه» از علامت‌هایی هستند که در ابتدای بند تالی یا پایه قرار می‌گیرند. معنای پیوندواژه‌های مورد اشاره‌ای که بر سر بند پایه می‌گیرند، خود بیانگر این مسأله است که رابطه میان بندهای

حاضر در ساخت شرطی از نوع علی است و گزاره مطرح در بند پایه، نتیجه بند شرط است.

(۱۵) اگر همه مثل هم فکر کنیم، پس چگونه خواهیم توانست بر هم اثر گذاریم. در بررسی داده‌بنیاد این پژوهش به جز پیوندواژه‌هایی که در بالا معرفی شد، دو گروه پیوندواژه دیگر، یکی «به خاطر آن» و دیگری «اما» و «در عوض» مشاهده می‌شود. پیوندواژه گروه اول مربوط به ساخت‌های شرطی است که در آنها بند مقدم نتیجه بند تالی است؛ یعنی همچنان رابطه علی میان بندهای حاضر در ساخت شرطی برقرار است اما جهت رابطه علی - معلولی متفاوت از آن چیزی است که معمولاً در شرط بنیادی دیده می‌شود. برای مثال در جمله ۱۶ اینطور عنوان شده که «چون من بازیکنان را خوب توجیه نکرده‌ام، اشتباهی صورت گرفته»؛ یعنی دلیل بروز اشتباه، بند دوم و «خوب توجیه نکردن» است. همانطور که مشخص است اینکه بند اگر، معلول علتی باشد که در بند دوم می‌آید، متفاوت از جملات شرطی بنیادی است که در آنها بند پایه نتیجه و معلول بند شرط است.

(۱۶) اگر اشتباهی صورت گرفته به خاطر این بوده است که من بازیکنان را خوب توجیه نکردم.

پیوندواژه‌های گروه دوم مربوط به ساخت‌های شرطی است که نوعی مقایسه را میان بند شرط و بند پایه مطرح می‌کنند مانند مثال ۱۷. در این مثال وضعیتی که در بند شرط مطرح می‌شود در تقابل با وضعیتی است که در بند نتیجه مطرح می‌شود.

(۱۷) اگر فیلم داستانی ندارد که برای ما روایت کند اما به جزییاتی توجه می‌کند که هر یک به تنهایی این امکان را فراهم می‌کنند تا ...

لازم به توضیح است ساخت شرطی اخیر باید در بررسی‌های معنایی ساخت شرطی مورد توجه قرار بگیرد و از این رو نگارنده بحث درباره آن را به پژوهشی دیگر موکول کرده است.

۵. شرط منفی

در بسیاری از زبان‌ها از جمله انگلیسی و ماندارین، برای منفی کردن شرط به جای استفاده از «اگر» و تکواژ منفی‌ساز، از تکواژ دستوری مستقلی که همزمان مفهوم شرط و نفی را با هم بازنمایی می‌کند، استفاده می‌شود؛ این تکواژ در انگلیسی *unless* و در ماندارین *chufei* است و ارزش صدق آنها معمولاً همانند بند اگر است، اگرچه در معنای ضمنی‌شان باهم

تفاوت‌های دارند (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۶۰). در زبان فارسی برای این منظور سه صورت زبانی، شامل «مگر»، «در غیراینصورت» و «وگرنه» وجود دارد. علاوه بر این سه ساخت، صورت‌های دیگری چون «جز اینکه» و «الا اینکه» هم به شکل محدودتر در همین معنا به کار می‌روند.

۱.۵ مگر

«مگر» در زبان فارسی به طور کلی به شکل معادلی برای «اگر+» مطرح می‌شود و معمولاً ارزش صدق آن همانند بند «اگر» است، هرچند همانند unless در زبان انگلیسی، معنای ضمنی آن با بند «اگر» متفاوت است. این مسأله در مثال ۱۸- الف و ب قابل بررسی است.

(۱۸) الف- امروز برای گردش بیرون می‌رویم، مگر باران بیارد.

ب- اگر باران نیاید، امروز برای گردش بیرون می‌رویم.

پیش‌فرض جمله ۱۸- الف، این است که «ما به گردش می‌رویم»، اما پیش‌فرض جمله ۱۸- ب، این است که «احتمال بارش باران زیاد است». البته این تفاوت در پیش‌فرض‌ها، در معنای شرط تغییری ایجاد نمی‌کند و در هر حال در هر دو جمله، این طور گفته می‌شود که «باران باریدن»، مصادف است با «نرفتن».

لازم به ذکر است که اگر بخواهیم جمله شرط «مگر» را با «اگر+» جایگزین کنیم، «مگر» باید از اول جمله شرط برداشته شود، پیوندواژه «اگر» به جای آن بنشیند و نهایتاً قطبیت جمله شرط تغییر کند؛ یعنی اگر جمله مثبت است، منفی و اگر منفی است، مثبت شود. در این تغییر و تبدیل‌ها، قطبیت جمله نتیجه، ثابت می‌ماند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که گاهی در همراهی با «مگر» ممکن است عباراتی چون «که»، «آنکه» و «اینکه» هم در جمله ظاهر شوند. برای نمونه در جمله ۱۹ عبارت «مگر آنکه» جایگزین «مگر» شده است.

(۱۹) فناوری چیزی را عوض نمی‌کند، مگر آنکه خودمان بخواهیم.

۲.۵ وگرنه

در جملات حاوی «وگرنه» کل بند شرط یا بند مقدم در همان یک کلمه «وگرنه» خلاصه شده است. «وگرنه» زمانی کاربرد دارد که پیشتر گزاره‌ای (به صورت ضمنی یا آشکار)

مطرح شده باشد، به دنبال آن «وگرنه» و پس از آن، جمله نتیجه بیاید. در این حالت منظور از «وگرنه» این است که اگر آن گزاره پیشین صادق نباشد، نتیجه‌ای که در پی آن ذکر می‌شود، حاصل می‌آید. به بیان دیگر «وگرنه» جایگزین بخش حذف‌شده‌ای از پیام است که یا پیشتر به طور کامل در جمله آمده یا از گزاره پیش از آن قابل استنتاج است. «وگرنه» را می‌توان با توجه به گزاره قبلی، به بند شرطی ساده تبدیل کرد. در این حالت «اگر» بجای «وگرنه» می‌نشیند، گزاره قبل از «وگرنه» در قطبیتی خلاف آنچه بوده بعد از «اگر» می‌آید؛ یعنی اگر مثبت بوده، منفی و اگر منفی بوده، مثبت شود. برای توضیح بیشتر می‌توان جمله زیر را مورد توجه قرار داد.

(۲۰) الف- بازیکنان داخلی را از الان می‌خواهم وگرنه هیچ شانسی نداریم!

بازیکنان داخلی را از الان می‌خواهم و اگر نخواهم/ اگر نشود که آنها را داشته باشم،

هیچ شانسی نداریم!

ساخت شرطی در جمله ۲۰- الف، «وگرنه هیچ شانسی نداریم» است؛ بر این اساس بند مقدم در این ساخت، «وگرنه» و بند تالی، «هیچ شانسی نداریم» است. برای تعبیر «وگرنه» باید به گزاره پیش از آن یعنی «بازیکنان داخلی را از الان می‌خواهم» توجه کرد. «وگرنه» را در این جمله می‌توان (مانند ۲۰- ب) به بند شرطی ساده در همراهی با «اگر» تبدیل کرد.

(۲۱) الف- اینها نزدیک نرفته‌اند، وگرنه اسبها بهشان حمله می‌کرده‌اند.

ب- اینها نزدیک نرفته‌اند، و اگر اینها نزدیک رفته بودند، اسبها بهشان حمله می‌کرده‌اند. در نمونه‌ای دیگر در جمله ۲۱- ب «وگرنه» جایگزین گزاره پیشین یعنی «اینها نزدیک نرفته‌اند» شده‌است. اگر بخواهیم «وگرنه» را به صورت «اگر» و «نه»، تغییر دهیم لازم است که گزاره پیشین در قطبیتی خلاف خودش در همراهی با «اگر» ظاهر شود و بجای وگرنه بنشیند (مانند ۲۱- ب).

۳.۵ در غیر اینصورت

رفتار نحوی «در غیر اینصورت» همانند «وگرنه» است؛ یعنی «در غیر اینصورت» در ساخت‌های شرطی، خود به تنهایی در جایگاه مقدم می‌نشیند. در این مورد نیز پیش از عبارت «در غیر اینصورت»، گزاره‌ای (به صورت ضمنی یا آشکار) آمده و با استفاده از «در غیر اینصورت»، اینطور عنوان می‌شود که اگر آن گزاره صادق نباشد، نتیجه‌ای که در پی آن ذکر می‌شود، حاصل می‌آید. «این» در عبارت «در غیر اینصورت» به همان گزاره پیشین

اشاره می‌کند. در تبدیل بند «در غیر اینصورت» به بند «اگر»، همانند آنچه در خصوص «مگر» و «وگرنه» ذکر شد، قطیبت آن بخشی که «این» به آن اشاره می‌کند باید تغییر کند؛ یعنی اگر مثبت است، منفی و اگر منفی است، مثبت شود.

(۲۲) الف- بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] می‌بایست به طور کامل تکمیل گردد در غیر اینصورت به درخواست‌های ارسال‌شده ترتیب اثر داده نخواهد نشد.
ب- بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] می‌بایست به طور کامل تکمیل گردد اگر بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] به طور کامل تکمیل نگردد به درخواست‌های ارسال‌شده ترتیب اثر داده نخواهد نشد.

در مثال ۲۲، در بخش ب، بند «اگر بخش‌های مربوط به ثبت شماره وام [...]» به طور کامل تکمیل نگردد»، جایگزین «در غیر اینصورت» شده و آنچه در ادامه آمده، نتیجه آن است. همانطور که دیده می‌شود، بند همراه با «اگر»، همانند بند پیش از «اگر» است و فقط در قطیبت با آن تفاوت دارد.

۶. توصیف‌کننده‌های پیوندواژه اگر

تامپسون و همکاران در معرفی «شرط انتظاری» به موضوع توصیف‌کننده‌های پیوندواژه «اگر» می‌پردازند (۲۰۰۷: ۲۶۱-۲۶۲). در واقع همانند مقوله‌های دستوری مختلف، «اگر» و بند شرط را هم می‌توان با استفاده از برخی توصیف‌کننده‌ها، توصیف کرد. در زبان فارسی این توصیف‌کننده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. در گروه اول «حتی» و «هم» قرار دارند که در همراهی با «اگر»، ساختی تحت عنوان «شرط انتظاری» را به دست می‌دهند. در دسته دوم قیده‌های «مخصوصاً، فقط، تنها» حضور دارند که «اگر» و بند شرط را محدود می‌کنند.

۱.۶ شرط انتظاری

این ساخت وضعیتی میانه دارد یعنی رفتار آن در برخی ویژگی‌ها، همانند بندهای شرطی است و در برخی ویژگی‌های دیگر مانند بندهای انتظاری عمل می‌کند (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۶۲). در ساخت‌های انتظاری، در یک بند، انتظاری ایجاد می‌شود و در بند دیگر خلاف آن انتظار، مطرح می‌گردد (هایمن ۱۹۷۴). برای مثال در بند اول جمله ۲۳

این انتظار مطرح شده که «زمستان با سرما و برف همراه است» و بند دوم، خلاف این انتظار را مطرح می‌کند.

(۲۳) اگرچه زمستان از راه رسیدن اما از برف و سرما خبری نیست.

از طرف دیگر در ساخت شرطی بنیادی صدق بند تالی به صدق بند مقدم وابسته است. شرط انتظاری از یک سو ویژگی شرط بنیادی را مطرح می‌کند و در سوی دیگر پیش‌انگاری‌های ساخت انتظاری را دارد. برای توضیح بیشتر می‌توان به جمله ۲۴ اشاره کرد.

(۲۴) حتی اگر باران بیاید برنامه کوهنوری پابرجا است.

بند اصلی این جمله، تصریح می‌کند که «برنامه کوهنوری پابرجا است» و این گزاره، خلاف انتظاری است که از بارش باران داریم؛ یعنی بارش باران این انتظار را ایجاد می‌کند که برنامه کوهنوردی به هم بخورد. امکان طرح گزاره خلاف انتظار، در این ساخت، با وجود عبارت «حتی» ممکن شده است. از طرف دیگر جمله ۲۴ این باور را القا می‌کند که گزاره «باران نیاید، برنامه کوهنوردی پابرجا خواهد بود»، محتمل است. وجود عبارت «اگر» وابستگی بند تالی به مقدم را نشان می‌دهد. به این ترتیب ارتباط دو بند «باران بیاید» و «برنامه کوهنوری پابرجا است» در قالب بند شرط محقق شده است و وجود «حتی» مفهوم انتظار و خلاف انتظار را به دست داده است.

تفاوت شرط انتظاری و بندهای انتظاری در این است که وجه فعل در بندهای شرطی، التزامی است اما در بندهای انتظاری اخباری است و تفاوت آن با بندهای شرطی بنیادی در این است که در شرط انتظاری چه بند شرط صدق باشد و چه کذب، رابطه «اگر ... آنگاه» صدق است.

در برخی زبانها مانند زبان ماندارین، برای ساخت شرط انتظاری پیوندواژه‌ای متفاوت از شرط بنیادی وجود دارد. در زبان فاسی برای القای این معنی، پیوندواژه «اگر» با قید محدودکننده «حتی» و «هم» همراه می‌شود و یا به جای «اگر»، پیوندواژه «هرچند» قرار می‌گیرد. مثال‌های ۲۵ تا ۲۷، نمونه‌های از شرط‌های انتظاری در زبان فارسی را نشان می‌دهد.

(۲۵) اگر هم باران بیاید باز به کوه خواهیم رفت.

(۲۶) بعضی چیزها را نمی‌شود باور کرد، حتی اگر پیش چشم‌هایت رژه رفته باشند.

(۲۷) به کسی که تو را امین شمرده خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت کرده باشد.

۲.۶ توصیف‌کننده‌های محدودکننده

در گروه دوم توصیف‌کننده‌های «اگر»، قیده‌های محدودکننده قرار می‌گیرند. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که قیدهایی چون «مخصوصاً» یا «به خصوص»، «تنها» و «فقط» می‌توانند به عنوان توصیف‌گر، با پیوندواژه «اگر» همراه شوند. در ادامه برای هر یک از این امکانات مثالی ارائه شده است:

(۲۸) کودک می‌تواند برگ‌ها را خشک کند، مخصوصاً اگر در مقادیر زیاد استفاده

شود.

(۲۹) تنها اگر دنیا به آخر برسد، فرصت بازی در برزیل را خواهم داشت.

(۳۰) فقط اگر نشانی‌تان را وارد کرده باشید می‌توانید منطقه خدماتی‌تان را حذف

کنید.

۷. صورت‌های نامتعارف مفهوم شرط

ساخت شرطی در حالت متعارف از دو بند مقدم و تالی تشکیل شده که معمولاً مقدم همراه با پیوندواژه «اگر» ظاهر می‌شود. تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۷-۲۵۸) علاوه بر صورت رایج ساخت‌های شرطی به مواردی اشاره می‌کنند که در آنها بند موصولی و بند قید زمانی می‌توانند کارکرد شرطی داشته باشند. بررسی داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زبان فارسی هم به جز شکل رایج ساخت شرطی، ساخت‌های دیگری وجود دارند که می‌توانند مفهوم شرط را منتقل می‌کنند.

۱.۷ بند موصولی و مفهوم شرط

بررسی‌های داده‌بنیاد این پژوهش نشان می‌دهد که ساخت موصولی تحت شرایطی می‌تواند مفهوم شرط را القا بکند. ساخت موصولی از یک هسته اسمی و یک بند توصیفی تشکیل شده است. مجموعه حاصل یعنی ساخت موصولی، در جمله اصلی می‌تواند در هر نقش و جایگاهی ظاهر شود؛ یعنی می‌تواند یکی از سازه‌های موضوع برای فعل اصلی بند پایه باشد مانند مثال ۳۱ که هسته بند و بند موصولی با هم در جایگاه فاعل فعل «صعود خواهند کرد» قرار دارند یا اینکه در جایگاه افزوده باشد مانند مثال ۳۲ در بند پایه این مثال یعنی در «آنها باید سیستم را طوری پیکربندی کرده باشند»، «طوری» در جایگاه افزوده است و وقتی بند

موصولی در کنار آن قرار می‌گیرد، کل ساخت موصولی به عنوان افزوده‌ای برای بند پایه مطرح می‌شود.

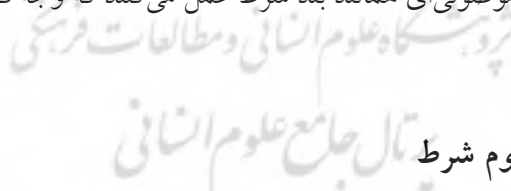
(۳۱) تیم‌هایی که مقام اول، دوم و سوم را کسب کنند به مسابقات لیگ یک صعود خواهند کرد.

(۳۲) آنها باید سیستم را طوری پیکربندی کرده باشند که دسترسی به آن سخت باشد. گاهی بند موصولی نقشی مانند بند مقدم در ساخت شرطی دارد. در این حالت بند پایه (همانند بند پایه در ساخت‌های شرطی)، نتیجه آن چیزی خواهد بود که در بند موصولی مطرح شده است و چون میان بند موصولی و بند پایه رابطه‌ی علی برقرار است، می‌توان بند موصولی را به صورت بند شرطی بازنویسی کرد. در مثال ۳۳ بین بند اول یعنی «هر کس رابطه‌ی خود را با خدا اصلاح کند» و بند دوم یعنی «خدا رابطه‌ی او را با مردم اصلاح خواهد کرد» رابطه‌ی علی-نتیجه‌ای وجود دارد، به نحوی که بند دوم مشروط به بند اول شده است. بند اول در این مثال در هیأت بند موصولی است و همانطور که در بخش ب این مثال مشاهده می‌شود، می‌توان آنرا به صورت بند شرط بازنویسی کرد.

(۳۳) الف- هر کس رابطه‌ی خود را با خدا اصلاح کند، خدا رابطه‌ی او را با مردم اصلاح خواهد کرد.

ب- اگر کسی رابطه‌ی خود را با خدا اصلاح کند، خدا رابطه‌ی او را با مردم اصلاح خواهد کرد.

به نظر می‌رسد وجه فعل بند موصولی در این شرایط باید التزامی است؛ به بیان دیگر می‌توان گفت بندهای موصولی‌ای همانند بند شرط عمل می‌کنند که وجه فعل‌شان التزامی است.



۲.۷ بند زمان و مفهوم شرط

تامپسون و دیگران (۲۰۰۷: ۲۵۷) در بررسی رده‌شناسی مفهوم شرط به زبان‌هایی اشاره می‌کنند که در آنها بند زمان و شرط، همانند هم علامت‌گذاری می‌شوند. در زبان فارسی بند شرط معمولاً با «اگر» مشخص می‌شود اما گاهی بندهایی که با پیوندواژه «وقتی»، «که»، «وقتی که» و دیگر پیوندواژه‌های معرف زمان، علامت‌گذاری می‌شوند هم می‌توانند در معنای شرط باشند.

میان دو بند موجود در ساخت شرطی بنیادی، رابطه علی وجود دارد، به نحوی که بند تالی، نتیجه بند مقدم می‌شود، این در حالی است که وقتی پیوندواژه زمان، میان دو بند ظاهر می‌شود، توالی زمانی و یا همزمانی گزاره‌های مطرح در این بندها مورد توجه قرار می‌گیرد و هیچ رابطه علی - نتیجه‌ای میان آن برقرار نیست. برای مثال در جمله ۳۴ پیوندواژه «وقتی»، باعث شده که دو گزاره «حاضر شدن غذا» و «صحبت کردن» همزمان در نظر گرفته شوند و در جمله ۳۵، پیوندواژه «وقتی» نشان می‌دهد که بند دوم به لحاظ زمانی بعد از بند اول اتفاق افتاده است.

(۳۴) وقتی که غذا حاضر می‌شد ما صحبت می‌کردیم.

(۳۵) وقتی که یلدا گفت «شام نداریم»، پیش از هر فکر دیگری تعجب کردم.

اما دقت در جملات ۳۶، ۳۷ و ۳۸ نشان می‌دهد که میان بندهای درون جمله، نوعی رابطه علی برقرار شده و بند دوم نتیجه و تالی بند اول است.

(۳۶) وقتی راه را از چاه شناسید بازی می‌خورید.

در مثال ۳۷ هر دو جمله‌ای که با هم همپایه شده‌اند، حاوی دو بند هستند. دو بند اول با پیوندواژه «وقتی» و دو بند دوم با پیوندواژه «اگر» به هم متصل شده‌اند. در اینجا جدای از اینکه به لحاظ معنایی می‌توان نشان داد که رابطه میان بندها از نوع علی است، در عین حال چون این دو بخش توانسته‌اند با هم همپایه شوند، می‌توان ادعا کرد که باید وضعیت نحوی یکسانی داشته باشند؛ چون برای همپایه‌سازی، یکسانی کارکرد نحوی اجزاء، ضروری است. در جمله ۳۷ «آدم وقتی قهر می‌کند، بعد آشتی می‌کند» مثل آن است که بگوییم «آدم اگر قهر کند، بعد آشتی می‌کند». به این ترتیب در این ساخت «وقتی» معنای «شرط» را القا می‌کند.

(۳۷) آدم وقتی قهر می‌کند بعد آشتی می‌کند ولی اگر دعوا کند بعد کتک‌کاری می‌کند.

(۳۸) اینجا که باشم شما را آزار خواهم داد.

مثال‌های ۳۶ تا ۳۸ و بسیاری نمونه‌های دیگر حاکی از آن هستند که وجه فعل در بندهای به ظاهر زمانی که مفهوم شرط را القا می‌کنند، باید التزامی باشد.

۳.۷ عبارت شرطی

در این پژوهش وضعیت بند شرط در ساخت شرطی مورد توجه است اما برای کامل شدن بحث جا دارد در این بخش به عبارات شرطی هم پرداخته شود. مفهوم شرط می‌تواند

همانند دیگر افزوده‌ها، به جز ساختار بندی در قالب گروه هم بازنمایی داشته باشد. در این حالت عبارت شرطی را می‌توان به صورت بند شرطی بازنویسی کرد. برای مثال در بخش الف جمله ۳۹ عبارت «در صورت لجبازی کودکان» مفهوم شرط را در قالب گروه نحوی ساختار بندی کرده است و همانطور که در بخش ب قابل مشاهده است می‌توان این عبارت را به شکل بندی یعنی به صورت «اگر کودکان لجبازی کردند» تبدیل کرد.

(۳۹) الف- در صورت لجبازی کودکان، والدین باید به آنها بی‌اعتنایی کنند و از آن محیط خارج شوند.

ب- اگر کودکان لجبازی کردند، والدین باید به آنها بی‌اعتنایی کنند و از آن محیط خارج شوند.

۸. سیطره مفهوم شرط

بندهای شرطی در جملات شرطی بنیادی، از آن جهت که چه چیزی را مشروط و محدود می‌کنند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند:

الف- بندهای شرطی‌ای که وقوع گزاره را در بند پایه محدود به شرایطی می‌کنند،

ب- بندهای شرطی که سازه یا بخشی از بند پایه را مشروط می‌کنند.

در ادامه مثال‌های ۴۰ و ۴۱، نمونه‌ای از ساخت‌های شرطی نوع اول و مثال‌های ۴۲ و ۴۳ نمونه‌ای از ساخت‌های شرطی نوع دوم هستند.

در جمله ۴۰ شرایطی در بند شرط مطرح می‌شود که نتیجه آن تحقق گزاره مطرح در بند پایه است یعنی در شرایطی که «جنگل و مراتع (پوشش گیاهی) تخریب شوند»، آنوقت گزاره مطرح در بند پایه یعنی «فرسایش خاک‌های حاصلخیز» رخ می‌دهد. به این ترتیب اگر گزاره اول رخ دهد آنگاه گزاره دوم محقق می‌شود.

(۴۰) اگر جنگل و مراتع (پوشش گیاهی) تخریب شوند خاک‌های حاصلخیز فرسایش پیدا می‌کنند.

(۴۱) اگر بادها فقط در یک جهت می‌وزیدند همه چیز ویران می‌شد.

در ساخت‌های شرطی گروه دوم، شرایط مطرح شده در بند شرط به یکی از سازه‌های جمله پایه برمی‌گردد. این سازه در هر دو بند شرط و بند پایه یکی از ارکان جمله است و در آنها نقشی ایفا می‌کند. در جمله ۴۲ «دانشجو» در هر دو بند، نقش فاعلی دارد و شرایط

مطرح شده در بند شرط هم به «دانشجو» مربوط می‌شود. پس در این جمله گفته می‌شود که «دانشجو خودش آخر ترم نمره خواهد آورد» اگر شرایطی برایش فراهم باشد. به این ترتیب بند پایه رخ می‌دهد اگر شرایطی برای یکی از اجزاء آن فراهم باشد.

(۴۲) اگر دانشجو مفهوم درس‌ها را بفهمد خودش آخر ترم نمره خواهد آورد.

(۴۳) ... اگر انسان کارها را به درستی انجام دهد خودبه‌خود مورد لطف و دوستی دیگران واقع می‌شود...

در گروه دوم، بندهای شرطی را می‌توان به صورت بند موصولی بازنویسی کرد (مانند مثال ۴۴ و ۴۵ که بازنویسی جملات شرطی ۴۲ و ۴۳ هستند).

(۴۴) دانشجویی که مفهوم درس‌ها را بفهمد خودش آخر ترم نمره خواهد آورد.

(۴۵) انسانی که کارها را به درستی انجام دهد خود به خود مورد لطف و دوستی دیگران واقع می‌شود.

لازم به توضیح است که هر یک از اجزاء بند پایه می‌تواند با استفاده از بند شرط، مشروط شود و این ویژگی تنها به فاعل اختصاص ندارد. برای مثال در جمله ۴۶، بند شرط به «بیشتر خاک‌ها» برمی‌گردد. در اینجا نیز همانطور که در بخش ب نشان داده شده، می‌توان بند شرط را به شکل بند موصولی بازنویسی کرد.

(۴۶) الف- سیب‌زمینی در بیشتر خاک‌ها اگر با آن خوب ور رفته باشند، رشد خواهد کرد.

ب- سیب‌زمینی در بیشتر خاک‌هایی که با آن خوب ور رفته‌اند، رشد خواهد کرد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در داده‌های این پژوهش عمده ساخت‌های شرطی از نوع اول بودند.

۹. توالی خطی بند شرط و بند پایه

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی بند شرط می‌تواند قبل، بعد و حتی در میان بند پایه ظاهر قرار گیرد. در مثال ۴۷- الف همانند اکثر نمونه‌های زبان فارسی، بند شرط پیش از بند پایه آمده است. در بخش ب بند شرط پس از بند پایه و در بخش پ در میان آمده است.

(۴۷) الف- اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم در زندگی نظم پیدا می‌کنیم.

ب- در زندگی نظم پیدا می‌کنیم اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم.
پ- در زندگی اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم نظم پیدا می‌کنیم.
بخش‌های ب و پ در مثال بالا ساختگی هستند. برای ارائه مثال از نمونه‌های طبیعی زبان، برای بند شرط‌هایی که پس بند پایه قرار می‌گیرند می‌توان به مثال ۴۸ و برای مواردی که بند شرط در میان بند پایه قرار می‌گیرد مثال ۴۹ را به عنوان نمونه معرفی کرد.
(۴۸) تو را خواهم پرستید فقط اگر من را از این زندان برهانی.
(۴۹) در طبقه‌بندی انواع خطاها از ادبیات موجود در این زمینه بهره خواهیم جست، اما هیچ یک از آنها را، اگر در پیکره ما شاهدهی نداشته باشند، بدیهی نخواهیم انگاشت.

۱۰. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ویژگی‌های نحوی و ساختاری ساخت شرطی، با توجه به داده‌های طبیعی زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس ابتدا جایگاه بند شرط در ارتباط با بند پایه بررسی شد. نتیجه واکاوی داده‌بنیاد نشان داد که بند شرط اساساً نسبت به بند پایه در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد و به همین اعتبار سازه اختیاری و قابل حذف از جمله است. اما در بررسی برخی داده‌ها نمونه‌هایی مشاهده شدند که در آنها حذف بند شرطی به نادرستی شدن جمله انجامیده است. پس از آن مفهوم شرط منفی مورد توجه قرار گرفت. در داده‌های مورد بررسی، پیوندواژه‌های شرط منفی شامل «مگر»، «وگرنه»، «در غیر اینصورت» و مواردی چون «الا اینکه» یا «جز اینکه» بودند که در پژوهش حاضر سازوکار عملکردی آن مورد توجه قرار گرفت. موضوع پیوندواژه، بحث دیگر این پژوهش بود که در دو بخش شامل پیوندواژه‌های بند شرط و پیوندواژه‌های بند پایه در ساخت شرطی مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس صورت‌بندی‌های مختلف موجود برای «پیوندواژه شرط» بر اساس داده‌های زبان فارسی مشخص شدند و با توجه به پیوندواژه‌های مربوط به بند پایه (شامل پیوندواژه‌های نتیجه‌ای، علی و مقایسه‌ای)، دسته‌بندی میان انواع ساخت‌های شرطی به دست آمد. موضوع قابل توجه دیگر در بحث پیوندواژه‌ها، توصیف‌کننده‌های پیوندواژه شرطی بودند. این توصیف‌کننده‌ها در دو گروه «انتظاری‌ها» و «محدودکننده‌ها» قرار می‌گیرند که مصادیق آن در زبان فارسی معرفی شد. همچنین در بحث نحوه‌بازنمایی بندی مفهوم شرط نشان داده شد که بندهای موصولی و بندهای قید زمان هم می‌توانند در بیان این مفهوم در زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرند. توالی خطی بند شرط و بند پایه،

مشروط کردن بخشی از بند پایه به جای مشروط کردن گزاره مطرح در آن و شرطی‌های عبارت‌گونه، موضوعات دیگری بودند که در این پژوهش به آن پرداخته شد. لازم به توضیح است که در پژوهش حاضر ویژگی‌های نحوی فعل بند شرط، به جهت گستردگی موضوع مورد بررسی قرار نگرفت. به این ترتیب ویژگی‌های دستوری فعل بند شرط شامل «زمان»، «نمود» و «وجه» می‌تواند به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های پیکره‌بنیاد آتی مطرح باشد.

پی‌نوشت

۱. لازم به توضیح است که تامپسون و همکاران شرط تخیلی را به دوبرخش hypothetical و counterfactual تقسیم می‌کنند. در این پژوهش از آنجا که سرعنوان بخش ۲-۱-۲ فرضی است (معادلی برای hypothetical در تقسیم‌بندی کرک و همکاران)، برای پرهیز از همسانی در معادل‌گزینی، معادل «ممکن» به عنوان معادلی برای hypothetical در تقسیم‌بندی تامپسون و همکاران در نظر گرفته شده است و این عنوان با توجه به معنایی که به آن اشاره می‌کند انتخاب شده است.

کتاب‌نامه

- ابن الرسول، سیدمحمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، مهری کاظمی (۱۳۹۵). «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی»، *ادب فارسی*. دوره ۶، ش ۱، ۹۳-۱۱۲.
- بقایی، سیده عاطفه، مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۷). «جهان‌های ممکن ساخت‌های شرطی در زبان فارسی معاصر»، *جستارهای زبانی*، انتشار آنلاین ۱ تیر ۹۷.
- (۱۳۹۸). «کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۹، ش ۱۸، ۹۳-۱۱۲.
- رستمی، مهدی (۱۳۸۹). «جملات شرطی در زبان فارسی: رویکردی شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قادری نجف‌آبادی سلیمان، عموزاده محمد، رضایی والی (۱۳۸۹). «واکاوی شناختی-کاربردشناختی جمله‌های شرطی در زبان فارسی»، *جستارهای زبانی*. ۱۰ (۶): ۲۳۳-۲۶۰.
- کییری، رویا و علی درزی (۱۳۹۴). «جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال هفتم، شماره اول، شماره ترتیبی ۲۱.

میرزائی، آزاده (۱۳۹۹). «دسته‌بندی معنایی ساخت شرطی در زبان فارسی»، *علم‌زبان*، دوره ۷، ش ۱۱، ۳۵۰-۳۲۳.

- Bhatt, R., and R.Pancheva, (2006). "Conditionals", *The Blackwell companion to syntax*: 638-687.
- Dancygier, B., and E.Mioduszewska. (1984). "Semanto-pragmatic classification of conditionals", *StudiaAnglicaPosnaniensiaXVII*: 121-133.
- Declerck, R. & Reed, S. (2001). *Conditionals: A comprehensive Empirical Analysis*, Berlin, Eds. Traugott, E. C. & Kortmann, B. New York, Mouton de Gruyter.
- Ebert, C., C.Endriss, and S.Hinterwimmer. (2008). "Topics as speech acts: An analysis of conditionals", *Proceedings of the 27th West Coast Conference on Formal Linguistics*.
- Haegeman, L. (2003). "Conditional Clauses: External and Internal Syntax", *Mind and Language* 18/4: 317-339.
- Haiman, J. (1974). "Concessives, conditionals, and verbs of volition", *Foundations of Language* 11, 341-59.
- Halliday, M., Matthiessen, C. M., & Matthiessen, C. (2014). *An introduction to functional grammar*, Routledge.
- Miltsakaki, E., L.Robaldo, A. Lee, and A. Joshi, (2008). Sense Annotation in the Penn Discourse Treebank, 275-286. In *Lecture Notes in Computer Science*, Volume 4919, Computational Linguistics and Intelligent Text, pages 275-286, springer.
- Mirzaei, A. & A. Moloodi, (2016). "Persian proposition Bank". In *Proceedings of the 10th International Language Resources and Evaluation*, Portorož (Slovenia), May, pp. 3828-3835.
- Quirk, R., S. Greenbaum, G. Leech & J. Svartvik. (1985). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London, New York: Longman.
- Thompson, S. A., Robert E. L., and Shin Ja J. Hwang. (2007). "Adverbial clauses", In Shopan, T. (editor) *Language typology and syntactic description*. Vol. 2. P: 237-300. Cambridge: Cambridge University Press.
- Von Stechow, P. (2011). Conditionals. In Klaus von Stechow, Claudia Aienborn & Paul Portner (eds.) *Semantics: An international handbook of meaning*, vol. 2 (Handbücher zur Sprach- und Kommunikationswissenschaft 3.2), 1515-1538. Berlin/Boston: de Gruyter Mouton.